

# ریشه‌ها، پیدایش و تطورات گات و

## بررسی کلان الحاق یا عدم الحاق ایران به آن

محمد جواد ایروانی

### گات چیست؟

گات (GATT) علامتی اختصاری است متشکل از حروف اول کلمات انگلیسی (General Agreement on Tariff and Trade) به معنی «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» و مراد، موافقتنامه‌ای است که تبادل امتیازات تعرفه‌ای بین کشورهایی با بیش از ۸۰٪ از بازرگانی جهان را تنظیم و سامان بخشی می‌نماید.

منشور گات سندی است مرکب از ۳۸ ماده (اصل موافقتنامه) و تعداد زیادی فهرست ضمیمه که مشتمل بر مشخصات هزاران قلم کالاهایی است که از طرف کشورهای عضو، تعرفه‌های گمرکی آنها تخفیف یافته است.

اصل موافقتنامه ۴ فصل و در فصل چهارم آن، که «تجارت و توسعه» نام دارد، پیش‌بینیهایی در زمینه نوع رابطه با کشورهای در حال توسعه آورده شده است. طبق مفاد این موافقتنامه کشورهای عضو، که اکنون به ۱۲۴ کشور بالغ می‌گردند، متعهد می‌شوند تجارت چند جانبه‌ای را با حداقل موانع تجاری بین خودشان گسترش داده، امتیازات تجاری را لغو کنند.

در آخرین مذاکرات گات موسوم به دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ تصمیم گرفته شد، نام گات (GATT) به دبلیو - تی - او (WTO) که مخفف «سازمان تجارت جهانی» است، تبدیل شود. از ابتدای سال ۱۹۹۵ عملاً این نهاد به عنوان یک سازمان بین‌المللی جدید آغاز به کار کرد. این سازمان در واقع جایگزین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت «گات» گردید و تمام موافقتنامه‌های گات به این سازمان منتقل شد. اختلاف عمده بین گات و WTO در پیش‌بینی

مرجع حل اختلاف و داوری در تشکیلات جدید WTO و نیز قوت ابزار اجرایی تحت نام جدید است.

### تاریخچه و انگیزه تشکیل گات (GATT)

در دوره بین جنگهای جهانی اول و دوم روابط اقتصادی بین‌المللی دچار آسیب شد. نابسامانیهای عظیم اقتصادی از قبیل عدم موازنه پرداختها، تورم، کاهش شدید ارزش پول اغلب کشورها، اختلال در مبادلات بازرگانی و بیکاری گسترده سبب شد که دولتهای اروپایی و همچنین آمریکا به اتخاذ سیاستهای حمایتی شدید برای پشتیبانی از صنایع داخلی و اقدامات تلافی جویانه در برابر شرکای تجاری خود متوسل شوند.

در همین ارتباط تلاشهایی در جهت رسیدن به موقعیت عادی صورت پذیرفت که از جمله آن اقدامات، سازماندهی تجارت جهانی بر پایه بازار آزاد و پذیرش استانداردها در نظام مبادله بین‌المللی بود. این سیستم به دلیل ارزشگذاری بیش از حد واقع به پول داخلی نتوانست موفق باشد و با رکود دهه ۱۹۳۰ بکلی متلاشی شد.

با بروز جنگ جهانی دوم و تشدید محدودیتها در رشد تجارت جهانی بطور مشخص دو محدودیت به وجود آمده بود:

الف - محدودیت اول: کشورها با کسری شدید موازنه پرداختها روبرو شده بودند و لذا با اتخاذ سیاست کاهش ارزش پول ملی در صدد افزایش صادرات و کاهش واردات و در نتیجه بهبود حساب موازنه پرداختها برآمدند، اما چون سایر کشورها نظیر

همین سیاست را پیش می‌گرفتند لذا تأثیرات آن خنثی می‌شد و در نتیجه برآیند این وضعیت به هم خوردن مناسبات پولی بین‌المللی بود.

ب - محدودیت دوم: با ایجاد تعرفه‌های سنگین گمرکی واردات را به شدت محدود ساخته و ضمن صرفه‌جویی در منابع ارزی به صادرات و ایجاد منابع بیشتر برای رفع کسری موازنه پرداختها دست می‌زدند لیکن چون این سیاست توسط بقیه کشورها تقلید می‌شد، تأثیرات آنها خنثی شده، بی‌نظمی و عدم اطمینان در تجارت جهانی به وجود آمد.

در نتیجه: تداوم عدم انضباط در تجارت جهانی باعث رشد جریان همگرایی بین‌المللی برای رفع مشکل شد و در پاسخ به محدودیت اول در سال ۱۹۴۴ به ابتکار آمریکا کنفرانسی در برتن وودز (Bretton Woods) تشکیل شد و طی آن موافقتنامه تأسیس صندوق بین‌المللی پول و همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) شکل گرفت. آمریکا در این کنفرانس ضمن مخالفت با ایجاد یک پول جدید «جهان روا» به نام بانکور، با تعهد خود مبنی بر تثبیت دلار به طلا طی یک اعلامیه رسمی خود را موظف کرد در مقابل هر ۳۵ دلار یک اونس طلا دهد. به این ترتیب دلار به عنوان یک وسیله پرداخت بین‌المللی و یک پول «جهان روا» تثبیت شد و تمام اعضا نیز مکلف گردیدند پول ملی خود را نسبت به طلا تعریف و تثبیت کنند و با این ترتیب ثبات نسبی در نظام پولی بین‌المللی و جریان مبادلات بین‌المللی حاکم شد.

انگیزه آمریکا را در مقطع زمانی مذکور در پاسخ به محدودیت دوم می‌توان در هدف دسترسی به بازارهای نوین و نیز سلطه بر تجارت جهانی، که به دلیل دور ماندن نسبی از عوارض جنگ جهانی دوم و شکوفایی اقتصاد این کشور و اشباع نسبی بازار داخلی به وجود آمده بود، جستجو کرد. بنابر این آمریکا می‌کوشید تا از طریق ایجاد یک نهاد بازرگانی جهانی اقتصاد و تجارت بین‌المللی را به سوی نظم مورد نظر خود هدایت کند.

این اندیشه منجر به برگزاری کنفرانسهایی در جهت رفع موانع و محدودیتهای تجاری و تأسیس سازمان تجارت بین‌المللی<sup>۱</sup> (ITO) در سال ۱۹۲۷ در ژنو و ۱۹۳۳ در لندن گردید که به دلیل عدم توافق کشورهای شرکت کننده به نتیجه‌ای دست نیافت. چندی بعد در شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل

اندیشه مشابهی به وجود آمد که با انتخاب کمیته‌ای مرکب از کشورهای آمریکا - کانادا - انگلیس - فرانسه و کشورهای بنه‌لوکس<sup>۲</sup> (با حدود ۷۰٪ از تجارت جهانی) تهیه منشور تجارت جهانی پیگیری گردید. منشور اخیر با ۳۴ ماده سرانجام بین ۲۳ کشور جهان مورد توافق قرار گرفت که در واقع اساس منشورگات گردید.

### سیر تحول نظریات اقتصادی و تأثیر آنها بر گات

سیر تطور نظریات اقتصادی در عصر جدید (دوران صنعتی) حاکی از آن است که این نظریات مطابق شرایط حاکم بر کشورهای خاستگاه نظریات مذکور شکل گرفته است؛ به عنوان مثال اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت و ریکاردو در وضعیت اقتصاد نو صنعتی معتقد به وجود یک نظم پنهان و دست نامرئی بودند که اقتصاد را به سمت تخصیص بهینه منابع راهنمایی می‌کند و در نهایت اقتصاد را به یک تعادل کلی می‌کشاند. بعدها با رشد و گسترش تجارت بین‌کشورها و بروز رقابت در صحنه بین‌المللی و همچنین وقایع ناخواسته مانند جنگ، که تأثیرات انکارناپذیری بر اقتصاد کشورها داشت، چنان استثنائاتی بر اصل تعادل عمومی وارد شد که دولت‌ها را مجبور به مداخله نمود و در چنین اوضاعی بود که هر یک از کشورها ناچار به تأثیر آگاهانه بر متغیرهای اقتصادی گردیدند و اقتصاد مداخله‌ای و برنامه‌ریزی شده در آن سوی دیگر طیف نظریات اقتصادی مبتنی بر اقتصاد بازار قرار گرفت. متناسب با این تحولات در نظام اقتصادی، سیاستهای پولی و ارزی نیز دستخوش تغییرات اساسی گردیدند؛ از آن جمله اصل استاندارد طلا که قرن‌ها به عنوان یک اصل تردیدناپذیر مطرح بود، جای خود را به پشتوانه طلا با درصدی از حجم کل پول داد. این تصمیمات به دلیل روابط متقابل بین کشورها خود مستلزم تعهدات متقابلی بود که تمامی کشورها را ملزم به رعایت و پایبندی یکسان می‌نمود. گرچه گذشت زمان و ناکارایی آنها در موقعیتهای بعدی به تجدید نظر مستمر در هر مورد منجر می‌گردید. همین ضرورت وجودی تعهدات متقابل بین کشورها بود که اساس انعقاد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت قرار گرفت.

### اهداف گات

اهداف اصلی گات به موجب ماده ۲۶ موافقتنامه عبارتند از:

- ۱- توسعه مستمر اقتصادی و ارتقای سنجه‌های (شاخصهای) زندگی کشورهای عضو
- ۲- هدفگیری همبستگی میان تجارت بین‌المللی و پیشرفت اقتصادی - اجتماعی
- ۳- گسترش تولید، فراهم کردن اشتغال کامل، افزایش درآمد واقعی و سطح تقاضا

## اصول گات

پیمان گات دارای اصول گوناگونی بود و در واقع مواد ۳۸ گانه آن خود بیانگر اصول گات است. در این مجموعه سعی گردیده است اصول کلی گات مورد بررسی قرار گیرد.

### الف - اصل ملت کامله الوداد (عدم تبعیض)

این اصل بیانگر این موضوع است که تجارت بین‌المللی باید بدون اعمال هرگونه تبعیضی صورت پذیرد؛ بر همین اساس تمام کشورهای عضو در صورت اعطای امتیازی به کشوری دیگر باید بدون قید و شرط، آن امتیاز را برای اعضای دیگر گات عمل نمایند. نکته قابل توجه این است که علی‌رغم قبول این اصل از سوی اعضای گات، استثنائاتی از قبیل اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای و یا مناطق آزاد تجاری پذیرفته شده است.

### ب - اصل حمایت از طریق تعرفه

#### و لزوم کاهش تعرفه‌های گمرکی

مطابق این اصل، حمایتی که از تولیدات داخلی به عمل می‌آید، لزوماً باید فقط از طریق تعرفه‌های گمرکی صورت پذیرد، نه محدودیتهای مقداری. زیرا گات در حقیقت موافقتنامه‌ای است تعرفه‌ای با این هدف که تا حد امکان حقوق و عوارض گمرکی را کاهش داده یا محدود نماید. اعطای امتیاز تعرفه‌ای معمولاً در کنفرانسها و بنابر اصل امتیازات متقابل انجام می‌گیرد و پس از تأیید سایر کشورهای عضو، تخفیفها شامل تمام اعضای گات می‌شود.

طبق ماده ۲ گات، کشورهای عضو نمی‌توانند حقوق یا عوارض دیگری بر کالا یا کالاهای مورد توافق وضع نمایند تا از آن طریق میزان امتیاز داده شده را با آن جبران نمایند. (همچنین کشورهای عضو حق استفاده از سایر اقدامات تجاری غیرمالی برای از بین بردن تأثیر امتیاز داده شده را ندارند). به منظور تحقق اصل کاهش تعرفه‌های گمرکی تا به حال هشت دور مذاکره بین کشورهای عضو

به عمل آمده است که آخرین دور آن، معروف به دور اروگوئه است.

### ج - اصل منع محدودیتهای مقداری

به موجب ماده ۱۱ گات، استفاده از محدودیتهای مقداری مانند سهمیه‌بندی، صدور پروانه وارداتی و صادراتی جایز نیست و کشورهای عضو موظفند از ایجاد اینگونه محدودیتهای در مورد واردات از کشورهای عضو و یا صادرات خود به دیگر اعضای گات خودداری نمایند. به موجب مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، استثناهایی بر این اصل وجود دارد و آن این است که در مورد کالاهای خاص نظیر محصولات کشاورزی، شیلات، و در مواقع پیدایش مشکلات در تراز پرداختهای کشور در صورت اقتناع WTO می‌توان از محدودیتهای مقداری استفاده کرد.

نکته حائز اهمیت این است که حتی در این مواقع نیز محدودیتهای نباید بیشتر از حمایت لازم از تراز پرداختها باشد و باید به محض رفع مشکل تراز پرداختها به تبعیت از اصل منع محدودیتهای مقداری که یکی از اصول پایه‌ای گات به شمار می‌آید تعرفه‌ها بطور تصاعدی کاهش داده شده، حذف گردند.

### د - اصل اسقاط تعهد

برابر ماده ۲۵ گات، یک کشور تحت شرایط اقتصادی یا تجاری الزام‌آور، می‌تواند تقاضای لغو تعهد نسبت به بعضی از اصول خاص گات را بنماید.

همچنین برابر ماده ۱۹ گات بعضی مواقع که دولتها احساس می‌نمایند هیچ راهی بجز حمایت از صنایع خود در مقابل واردات را ندارند، برابر اصل حفاظت در شرایط موقت تعریف شده اجازه اسقاط تعهد را دارند. در سالهای اخیر خیلی از اعضای گات نسبت به متوسل شدن بعضی دولتها به ترتیبات دو جانبه تبعیض‌آمیز که اصول گات (ماده ۱۹) را نادیده می‌گیرد، ابراز نگرانی کرده و در نتیجه شکل‌های مختلف حفاظت موضوع مهم مذاکرات دور اروگوئه بوده است.

در حال حاضر، یکی از کشورهای عضو، ایالات متحده آمریکا است که در ارتباط با اجرای بعضی سیاستهای کشاورزی خود از حق اسقاط تعهد استفاده می‌نماید.

## گات چگونه عمل می‌کند؟

گات در خصوص مقررات مربوط به تعرفه و تجارت، نوعی توافق لازم‌الاجرا و الزام‌آور است که مجموعاً ۱۲۴ کشور و بیش

از ۸۰٪ از حجم تجارت بین‌المللی را در برمی‌گیرد. هدف این پیمان تشویق تجارت و دادوستد در سطح جهانی از طریق کاهش محدودیتهای تجاری نظیر سهمیه‌های بازرگانی و حقوق گمرکی بر کالاها و وارداتی است.

گات از سه طریق عمل می‌کند:

- اول: از طریق تدوین مقرراتی برای تسهیل فعالیت‌های بازرگانی  
دوم: از طریق ایفای نقش جمعی برای انجام مذاکرات و چانه زدن‌های مرسوم به منظور حذف ضوابط دست و پاگیر و باز کردن راه دادوستد

- سوم: از طریق اجرای نقش یک دادگاه عالی برای حل اختلافات بین طرف‌های تجاری

مقر اصلی گات در ژنو واقع است. این سازمان ۴۰۰ کارمند تمام وقت دارد و رئیس آن آقای پیترساترلند است. کارمندان گات بر موافقتنامه‌های تجاری و توافق بین اعضا نظارت می‌کنند. بلوکهای تجاری نظیر جامعه اروپا از نظر گات یک واحد تجاری به شمار می‌آیند. وزیران امور اقتصادی و بازرگانی کشورها برای سامان دادن امور پیمان گات با یکدیگر ملاقات می‌کنند ولی در اغلب موارد مذاکرات توسط نمایندگان مخصوص و یا سفیران به انجام می‌رسد.

### خلاصه‌ای از ادوار مذاکرات گات

از زمان تأسیس گات در پایان جنگ دوم جهانی تاکنون هشت دوره مذاکره برای تسهیل مقررات تجارت بین‌المللی برگزار شده و در این مدت تعداد کشورهای عضو پیمان از ۲۳ به ۱۲۴ کشور افزایش یافته است. پنج دور اول مذاکرات صرفاً به بررسی مقررات مربوط به تعرفه‌های گمرکی اختصاص یافته بود. مسأله سهمیه‌های تجاری از همان آغاز جزء موارد ممنوع منظور شده است.

مذاکرات موسوم به دور کندی در دهه ۱۹۶۰ عمدتاً به مسأله جلوگیری از انباشتن کالا توسط شرکتهای سازنده در کشورهای مصرف‌کننده اختصاص یافت. در این دور مقرراتی بر ضد صادرات کالا به قیمت کمتر از هزینه تمام شده که مشخصاً به قیمت در هم شکستن توان تولیدی ملی در کشورهای مصرف‌کننده صورت می‌گرفت به تصویب رسید.

مذاکرات دور توكيو، که طی دهه هفتاد (۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹) به

انجام رسید، محدودیتهای تجاری ناشی از وضع تعرفه‌های سنگین را مورد بررسی قرار داد. این محدودیتها شامل مواردی از قبیل اعمال سیاستهای تبعیضی علیه سازندگان خارجی، استفاده از استانداردها و مقررات حقوقی برای سد کردن راه صادرکنندگان خارجی، بهره‌گیری از اهرم سوبسید برای کم کردن قیمت کالاها و ساخت داخل در مقایسه با اجناس مشابه خارجی، و بالاخره کاربرد شیوه‌های خاص به منظور سنگ‌اندازی در راه صادرکنندگان خارجی بود.

در دور اورگوته که در سال ۱۹۸۶ آغاز شد، صورت اصلی مذاکرات عبارت بود از: حذف هر چه بیشتر مقررات دست و پاگیر در زمینه تعرفه‌های گمرکی و سایر اهرمهایی که مانع از دادوستد آزاد می‌گردید. در این دور از مذاکرات همچنین برای اولین بار به مسأله حق تألیف محصولات فکری نظیر کتابها، برنامه‌ها و نرم افزارهای کامپیوتری، فیلمها و دیگر انواع ابداعات و ابتکارات فکری، توجه گردید. سرمایه‌گذاری خارجی به منزله جانشینی برای تجارت مستقیم، دادوستد در بخش خدمات، و بالاخره مسأله سوبسیدهای کشاورزی از دیگر مسائل اساسی در این دور از مذاکرات بود.

در این دور همچنین مقرر شده بود اجلاسی در سال ۱۹۹۰ بین دولتهای ذی‌نفع در بروکسل تشکیل گردد که به دلیل اختلاف در خصوص سوبسیدهای کشاورزی این مذاکرات با شکست نسبی روبرو شد و در سال ۱۹۹۴ پس از قطعیت تصویب شمول بخش کشاورزی در پایان مذاکرات تأسیس سازمان تجارت جهانی WTO اعلام و نهاد موقت گات بعد از حدود پنج دهه به یک سازمان دائمی فراگیر با مکانیزمهای اجرایی و الزامات قوی‌تر تبدیل شد.

### ایران و گات

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، گرچه برخی از اصول و مقررات جاری ایران با گات مابینت داشت ولی به لحاظ اهمیت سازمان در سطح جهانی از سوی دولت وقت نماینده‌ای به صورت ناظر در جلسات گات شرکت می‌نمود. کشورهای ناظر در گات قبلاً سالانه ۱۵۰۰ فرانک سوئیس برای دریافت اسناد و انتشارات می‌پرداختند و اجازه شرکت در جلسات را داشتند، ولی شورای گات در سال ۱۳۷۲ تصمیمات جدیدی را برای ناظران اتخاذ

نمود که مهمترین آن محدود کردن زمان به ۵ سال برای اینگونه کشورها برای عضویت یا عدم عضویت بود. همچنین به موجب این تصمیمات کشورهای ناظر عیناً مانند کشورهای عضو، ملزم به ارائه گزارش سیاست بازرگانی خارجی و تحولات آن به گات گردیدند.

۱- در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۱۴ کمیسیون اقتصاد هیأت محترم وزیران، وزارت بازرگانی را مأمور کرد در کمیته‌ای با شرکت نمایندگان سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و امور خارجه، پیامدهای پیوستن ایران به گات را مورد بررسی قرار دهد.

۲- وزارت امور خارجه با توجه به عضویت رو به افزایش کشورها در گات و تحولات نظام نوین تجارت جهانی در جهت گسترش همکاری تجاری چند جانبه - اصلاحات اقتصادی و پولی و مالی و تجاری در دست انجام کشور - استفاده از اصل کاهش تعرفه‌ای و اصل عدم تبعیض گات در آینده و بالاخره به این دلیل که روند عضویت در گات به واسطه حدود عوامل و ملاحظات جدید روز به روز دشوارتر و پیچیده‌تر خواهد شد، در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۱۷ به مقام محترم ریاست جمهوری پیشنهاد نمود از هم اکنون اقداماتی در جهت عضویت به عمل آید.

۳- در سال ۱۳۷۲ وزارت بازرگانی در بازننگری گزارش قبلی، گزارش جدیدی را به هیأت محترم وزیران تقدیم داشت. هیأت محترم وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۳/۲۶ بررسی عضویت جمهوری اسلامی ایران را به پس از پایان مذاکرات دور اروگوئه موکول نمود.

ملاحظات اداره سازمانهای بین‌المللی وزارت امور خارجه بیانگر موضوعات زیر است:

الف - اطلاعات وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذی‌ربط جمهوری اسلامی ایران در باره گات و عملکرد آن و مباحث طرح شده در دور اروگوئه بسیار محدود و ناکافی است.

ب - بررسی و تحقیق کمی در خصوص مزایا و مضار عضویت در گات و پیامدهای آن بر بخشهای صنایع، کشاورزی، خدمات، واردات، صادرات و ... صورت پذیرفته است.

**استراتژیهای توسعه اقتصادی و کاربرد آن در ایران**  
از بین دو استراتژی تعریف شده برای توسعه، یعنی «جایگزینی

واردات» و «توسعه صادرات»، کشور ما در مقاطعی هر دو استراتژی را تجربه نموده است. از دیدگاه بخشهای اقتصادی، در بخش کشاورزی، و در پاسخ به اصل خودکفایی بیشتر به استراتژی جایگزینی واردات توجه و عمل شده است که تا اندازه زیادی نتایج خود را بروز داده است. اما در بخش صنعت علی‌رغم وجود برخی زیر ساختهای مناسب و همچنین وجود حلقه‌های مفقوده در فرایند تولیدات صنعتی به استراتژی توسعه صادرات توجه شده که می‌توان گفت به همین دلایل غیر از مواردی محدود صادرات غیر نفتی موفقیت چندانی نداشته است. بلکه می‌توان گفت در این استراتژی نیز بخش کشاورزی بر بخش صنعت پیشی گرفته است. تلفیقی از دو استراتژی فوق در امتداد هم برای اقتصاد ایران مناسب است که به هر حال تنگناهای عمده در موفقیت هر یک از دو استراتژی را در ایران می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

۱- عدم وجود تمام زیربنای لازم

۲- ناکارایی اقتصاد و نبودن بهره‌وری کافی به دلیل اشکالات ساختاری و عمیق در بخشهای مختلف اقتصادی

۳- پایین بودن سطح تکنولوژی به معنای عام

عوامل فوق خود منجر به عدم تخصیص بهینه منابع و در نتیجه نداشتن مزیت نسبی در مقایسه کالایی با کشورهای دیگر می‌گردد.

### ساختار بازرگانی کشور

در حال حاضر استراتژی پذیرفته شده کشور، توسعه صادرات غیرنفتی ضمن حفظ استراتژی جایگزینی واردات است. معنی این مفهوم از یک طرف، ضرورت جستجوی بازارهای فعال و ثروتمند برای کالاهای ساخت کشور است که از این نظر، گات شرایط قابل قبولی را فراهم می‌سازد، اما از طرف دیگر صادرات نیازمند وجود یک ساختار تولیدی قوی است که پاسخگوی تقاضای خارجی باشد. در عین حال ساختار تولیدی لازم به تکنولوژی پایه نیاز دارد که خود در بیشتر رشته‌ها وارداتی است. لذا برای تحلیل اینکه در صادرات چه مزیت نسبی را داریم باید با توجه به جمیع شرایط فوق تصمیم بگیریم.

بنابر این از یک زاویه و بطور مشخص، پیش شرطهای یک اقتصاد برای پذیرش گات، همان تکمیل فرایند تولید کالاها و

خدمات در اقتصاد ملی است، و تنها در این وضعیت است که می‌توان ادعا نمود که تکنولوژی به بدنه اقتصاد پیوند خورده به اصطلاح نهادی شده است و این همان مقدمه کسب مزیت‌های نسبی اقتصادی است. بنابر این پیش شرط عضویت ایران در گات از نظر اقتصادی، تکمیل زنجیره تولید، افزایش کارایی عوامل تولید و متعاقب آن ایجاد مزیت‌های نسبی، و تنها پس از طی این مراحل است که می‌توان با طرف‌های تجاری وارد مذاکره و معامله گردید، و نه به عنوان یک کشور نیازمند و خریدار.

از آنجا که اقتصاد ملی ما به درآمد نفت اتکا دارد، این کالا باید به عنوان محور استراتژیک تجارت خارجی ما مطرح شود، سپس سایر اقلامی که در ترکیب تجارت خارجی ما با توجه به توان تولید فعلی و افق تولید در آینده از سهم بالاتر و نیز برتری نسبی در ترکیب صادرات برخوردارند مطرح گردد.

### تراز بازرگانی کشور

تراز بازرگانی و اقتصاد یک کشور بسیاری از علائم را برای تصمیم‌گیری نشان می‌دهد. طبق آمار در سال ۱۳۷۱ در مقابل ۵۰۴ دلار واردات سرانه معادل ۵۱ دلار صادرات سرانه صورت گرفته است.

همچنین نسبت صادرات سرانه به واردات سرانه در سال ۱۳۶۷ معادل ۱۳٪ بوده است که در سال ۱۳۷۱ به ۱۰٪ کاهش یافته است. این ارقام بیانگر عدم آمادگی اقتصاد کشور در پیوستن به جریانی است که اینجا و آنجا دنبال بازار برای صادرات کالا است.

این موضوع وقتی اهمیت می‌یابد که دریا بیم آزادسازی نسبی بازرگانی خارجی کشور در چهار سال اول برنامه بیشتر منجر به واردات انبوه و ایجاد تعهدات خارجی شده و صادرات علی‌رغم رشد قابل توجه آن کمتر از رشد واردات افزایش یافت.

### نفت، استثنایی بر قاعده توسعه تجارت

نفت خام از مهمترین کالاهای صادراتی کشور است که بخش عمده‌ای از درآمدهای عمومی کشور را به خود اختصاص داده است و لذا در تجارت خارجی ایران سهم عمده‌ای دارد. در جایی که گات منادی حرکت آزادسازی تجارت جهانی است، نفت خام که کشورهای نظیر ما در آن از مزیت نسبی و شاید مطلق

برخوردارند، از شمول تعرفه‌های گات خارج نگهداشته شده و برعکس با تشدید تعرفه‌های سنگین کشورهای صنعتی بر نفت وارداتی خویش تا حدود ۳۰۰ درصد ارزش آن، بیشترین درآمد مالیاتی ممکن را از نفت وارداتی می‌گیرند. ضمن اینکه از این منبع مالیاتی بودجه تحقیقات مربوط به جایگزینی سوخت‌های دیگر را هم تأمین می‌کنند؛ چنانچه نفت در زمره کالاهای مشمول گات درآمد، قیمت‌های مصنوعی فعلی به بهای واقعی خود نزدیک می‌شود و درآمد ناشی از صادرات نفت کشورهای صادرکننده نفت (یعنی کشورهای در حال توسعه) واقعی خواهد شد. تنها در این صورت است که عضویت در گات برای کشوری مانند ایران در کوتاه مدت با چنین پیش شرطی می‌تواند مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

### مالکیت معنوی

تا چندی پیش ثبت اختراعات و دستاوردهای علمی و کسب حق امتیاز تنها در صنعت و نویسندگی و هنر (حق تألیف) رایج بود. مدتی است که در اثر توسعه علم و تکنولوژی، ثبت تلاش خلاق محققان به سایر فعالیتها نیز کشانده شده است و به همین دلیل به جای استفاده از اصطلاح «حق امتیاز» و یا «حق تألیف» صحبت از «مالکیت معنوی» یا داراییهای فکری می‌شود. مالکیت معنوی شامل تمام فعالیت‌های محققان و دانشمندانی است که تحقیقات آنها در هر زمینه منجر به اختراع یا کشف جدیدی می‌شود. اهمیت این امر تا حدی است که به معیاری در سنجش توان کمی و کیفی کشورها تبدیل گشته است. ارقام حق امتیاز کسب شده تا سال ۱۹۹۱ در سطح جهان مؤید این مطلب است. این ارقام نشان می‌دهد که از میان کشورهای در حال توسعه، کشورهای کره جنوبی و تایوان موفق شدند به میدان تحقیق و علم و تکنولوژی بپیوندند و البته هنوز از اهمیت نگران کننده‌ای برای کشورهای صنعتی برخوردار نیستند، چرا که ۰/۶ درصد از موارد به نام آنها ثبت شده است. در بخش کشاورزی تلاش در جهت ثبت اختراعات و کسب حق امتیاز تقریباً از اوایل دهه ۱۹۶۰ هنگامی که کشاورزی صنعتی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری تحقق یافته، آغاز شد. در این زمان افق تازه‌ای در توسعه کشاورزی از راه کشاورزی علمی گشوده شد. کشاورزی، سهمی از توسعه خود را به محققان و آزمایشگاه‌های خارج از مزرعه سپرد. کشاورزی علمی رونق

گرفت و علوم کشاورزی از مزرعه به آزمایشگاه وارد شد. قسمت اعظم پژوهشها به اصلاح نژاد و دست یافتن به ارقام پربازده و مقاوم اختصاص یافت. از این پس، از آنجا که پژوهش در شرایط طبیعی و محیط اصلی کمتر مورد نیاز بود، محققان بیش از پیش اقدام به جمع‌آوری گونه‌های گیاهی بذر از سرتاسر دنیا کردند. در این زمینه سابقه تلاش آمریکا به ده‌ها سال پیش باز می‌گردد. آمریکا از مدتها قبل ده‌ها گونه گیاهی و بذر پربازده و مقاوم به امراض و آفات را از سراسر دنیا جمع‌آوری نمود، و در این راه تنها از ایران چهارگونه بذر گل کلم، پیاز، نخودفرنگی و اسفناج به آمریکا منتقل شده است. از این نظر طبیعی است که آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته سعی کنند دستاورد این چینی را که به حق یا ناحق «مالکیت معنوی» نامیده می‌شود، در انحصار خود درآورند. اولین اقدام در این راه تدوین و تصویب قوانینی است که مالکیت و حق امتیاز این دستاوردها را به این کشورها اختصاص می‌دهد. این روند از دهه ۱۹۷۰ شروع شده و در مذاکرات دور اروگوئه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. با این ترتیب استفاده از دستاوردها و تکثیر آنها با اجازه و پرداخت حق‌الامتیاز دارنده آن میسر خواهد بود.

### آینده گات و پیش‌بینی عکس‌العمل کشورها

الف : با توجه به روند گذشته تجارت جهانی و عکس‌العمل کشورهای قاهر در برخورد با تصمیماتی که با منافع آنها در تضاد بوده است، پیش‌بینی می‌گردد در سالهای آینده استفاده از اهرم «تضعیف پول ملی» به موازات رشد اجرای الزامات گات مجدداً توسط کشورها مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در حال حاضر توسل به این سیاست از سوی آمریکا آغاز گردیده است. در این صورت اهداف سازمانهایی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO) که هدف آن رشد تجارت جهانی است و همچنین نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول، کم اثر گردیده و آنها را به تجدیدنظر در سیاستهای خود وادار خواهد نمود؛ برای مثال صندوق بین‌المللی پول که به موجب اساسنامه خود به ثبات نظام پولی جهان و تثبیت نرخ برابری ارز کشورها اقدام می‌نمود، و در دهه‌های بعدی وادار به رها کردن این سیاست گردید. در صورت تقویت سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی می‌گردد روی دیگر سکه سیاستهای حمایت‌گرایانه نوین، یعنی توسل به کاهش ارزش پول ملی توسط

کشورهای توسعه یافته، رونق گیرد. این امر به نوبه خود ناقض اهداف تأسیس سازمان تجارت جهانی و عملاً خلاف شعار آزادی تجارت جهانی است که خود بیانگر ترجیح منافع ملی توسط کشورها بر ایده مذکور بوده و اهداف و سیاستهای سازمان مذکور را در اجرا از خاصیت خواهد انداخت و در نتیجه صندوق بین‌المللی پول مجبور به اتخاذ سیاست تثبیت نرخ ارزها با دامنه نوسان محدود و مشخص نظیر پنجاه سال قبل خواهد شد تا از تنشهای موجود ناشی از شوکهای پر دامنه دلار و احتمالاً سایر ارزها در بازار بکاهد و اگر صندوق، موفق به اجرای این تدبیر عام تثبیت نرخ ارزها نشود، ناچار ایده ایجاد یک «واحد پول بین‌المللی» جدید که بتواند وسیله مبادله تجارت بین‌المللی و نیز وسیله ذخیره دارایی بین‌المللی بوده و از ثبات و پایداری برخوردار بوده و در معاملات بین‌المللی توسط کشورها به جای دلار قابلیت جایگزینی داشته باشد، قوت گرفته و اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. نوسانات پر دامنه دلار که در ذخایر کشورها از یک طرف تغییر ارزش می‌دهد و از طرف دیگر باعث وقفه در مبادلات بین‌المللی و تجارت جهانی می‌گردد فقط تا مدتی می‌تواند تحمل شود. پس دو اقدام استراتژیکی که فراروی کشورها و صندوق بین‌المللی پول است به قرار ذیل است:

اول : بازگشت به سیاست تثبیت نرخ ارزها و الزام صندوق بین‌المللی پول به بازگشت کشورها به تثبیت نرخ ارز با دامنه نوسان مشخص

دوم : در صورت عدم اجرای استراتژی اول تنها راه حل باقیمانده ایجاد یک واحد پول بین‌المللی جدید است که کلاً یا جزئاً جایگزین دلار در معاملات بین‌المللی گردد.

ب : عکس‌العمل برخی کشورها در برابر محدودیتهای گات در گزارش اخیر بانک جهانی<sup>۳</sup> در رابطه با اولین مطالعات خود در ۲۶ هزار صفحه از تعهدات رسمی کشورها در مذاکرات دور اروگوئه، بیانگر تناقضات گفتار و عمل و نیز عدم صداقت کشورها بویژه کشورهای قدرتمند است. پرفسور الن ویسترتز، رئیس بخش تجارت بین‌المللی بانک جهانی گفته است، مطالعات مذکور روشن می‌سازد «تفاوت زیادی میان محتوای موافقتنامه دور اروگوئه و واقعیتها وجود دارد».

هر چند دور اروگوئه برای اولین بار، کشاورزی را تابع مقررات تجاری چند جانبه ساخته ولی بانک جهانی اعلام کرده است این

امر چندان به گشایش بازارها کمک نخواهد کرد. علت این امر آن است که دولتها با اشتغال به نوعی تقلب قانونی، تعهدات خود را برای آزادسازی محدود ساخته‌اند. آنها پذیرفتند که تمام موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه تبدیل شود، تعرفه‌هایی که به سطوح معینی «مقید» بوده و نمی‌تواند افزایش یابد و در عرض چند سال باید کاهش یابد. با این حال این طرح از دوره پایه ۸۸-۱۹۸۶ شروع می‌شود که در آن حمایت از تجارت محصولات کشاورزی در سطح جهانی عموماً زیاد و در برخی موارد دو یا سه برابر سطح متوسط سالهای ۹۳-۱۹۷۹ بود. دولتها با تعیین سقفهای تعرفه‌ای که اغلب متضمن حمایت بیشتری نسبت به موانع برطرف شده آنها بود،<sup>۴</sup> گریزگاه بهتری یافتند. این اختلاف برای واردات گندم اتحادیه اروپا حدود ۷۰ درصد و برای واردات گوشت آمریکا بیش از ۱۰۰۰ درصد است.

ژاپن یکی از کشورهای معدودی بود که بیشتر سقفهای تعرفه‌ای را زیر سطح موانع موجود تعیین کرد. ولی این موانع از قبل آنقدر زیاد بوده است که حتی پس از آزادسازی هم، سطح حمایتی ژاپن بالا خواهد بود.

هر چند دولتها سریعتر از حد مورد تقاضای موافقتنامه دور اروگوئه تعرفه‌ها را کاهش خواهند داد، ولی آیا طرح آزادسازی رسمی اجازه خواهد داد سطوح حداکثر مجاز حمایت برای محصولات گوناگونی در بسیاری از کشورها در سال ۲۰۰۰ بالاتر از سالهای ۸۸-۱۹۸۶ باشد.

## پیامدهای الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پیشنهادها

پیامدهای الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی برای اقتصاد کشور آن چنان وسیع است که بررسی آن در صلاحیت فرد خاصی نیست و نهادی علمی را طلب می‌کند که جزئیات موضوع را مطالعه و منافع و مضار آن را به دقت و به صورت کمی برآورد نماید. الحاق ایران به گات از دیدگاه‌های متفاوت حقوقی، تجاری، اشتغال، سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات، سیاسی و ... به بررسی جدی نیاز دارد.

اکنون این سؤال مطرح است که دور ماندن از نهادی بین‌المللی که بیش از ۸۰٪ از تجارت جهان را در اختیار دارد در راستای مصالح اقتصادی و سیاسی کشور هست یا خیر. چنین به نظر

می‌رسد که در اوضاع فعلی اقتصاد جهان، تأثیر اقدامات این محفل اقتصادی بین‌المللی بر کشور ما انکار ناپذیر است، لکن میزان تأثیرپذیری از سازمان مذکور به بنیان تولیدی، عزم ملی، گسترش صادرات (بویژه صادرات غیرنفتی)، رژیم مذبذبه تجاری و سیاست بازرگانی، مزیت‌های نسبی اقتصاد کشور، مدیریت اقتصاد، قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری، و عوامل متعدد دیگر بستگی دارد. بخش کشاورزی به دلیل توان این کشور در صدور انواع محصولات این بخش و نیز واردات محصولات اساسی و استراتژیک به مطالعه خاصی نیاز دارد. اصلاح ساختار تولید در کشاورزی، بازرگانی در شیوه مالکیت، بهره‌مندی از علم و تکنولوژی در این زمینه از پیش نیازها هستند. همچنان که بخش صنعت به مطالعه بیشتر در اوضاع فعلی کشور و شرایط رقابتی نیاز دارد و نفت نیز به عنوان یک کالای اساسی در چارچوب گفتگوهای طرفین، جایگاه مهم و خاص خود را خواهد داشت. در شرایطی که نظیر سایر کشورها هیچ ارزیابی تخمینی کمی در صورت عضویت یا عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی از سوی بخشها عنوان نگردیده است اظهار نظر شتاب زده و بدون محاسبات علمی پایه‌های محکمی برای تصمیم‌گیری پیش روی دولت نمی‌گذارد و لذا پیشنهاد مشخص عبارت است از:

۱- نکته مهم چگونگی محاسبات اقتصادی قیمت تمام شده و مزیت نسبی در رابطه با تأثیرات شرایط آینده محیطی در اقلام و محصولات مختلف بخشهای مختلف اقتصادی بوده تا بر اساس آنها و نیز در شرایط الزامات گوناگون بر حسب رعایت استانداردهای زیست محیطی، استانداردهای کار و نیروی انسانی، رعایت حقوق مالکیت معنوی، حذف سوبسیدها، آزادسازی بخش خدمات و ... خواهد بود؟ آیا قیمت تمام شده فولاد، گندم و فرش در شرایط مذکور چگونه خواهد بود؟ قیمت‌های جهانی کجا می‌ایستند و ادامه فعالیتها میسر است یا خیر؟ و نهایتاً در تراز بازرگانی و موازنه پرداختهای کشور تأثیر مثبت و یا منفی می‌گذارد و در مجموعه اقلام بطور تخمینی چه میزان به منابع ارزی کشور اضافه کرده و یا کاسته و در اشتغال چه تأثیراتی را به جا می‌گذارد؟ تاکنون اطلاعاتی از دستگاه‌های مختلف که حاکی از محاسبات و جمع‌بندی آنها در موارد فوق باشد ارائه نگردیده و لذا هرگونه تصمیم‌گیری بدون محاسبات علمی و کارشناسی فاقد قابلیت اعتماد و جامعیت بوده و ناشی از استنباطهای احساسی است و



تاکنون بیشترین استدلالهای مطرح شده به صرف تأسی از کشورهای است که عضو شده‌اند. در این وضعیت، تصمیم‌گیری با دید بسته صرفاً عمل با روش آزمون و خطاست که آسیبهای فراوانی دربر دارد. بسیاری از کشورهای توسعه یافته و یا نو صنعتی، پیش‌بینی ارقام افزایش صادرات و درآمدهای جدید ناشی از تحقق اهداف سازمان تجارت جهانی را اعلام نموده‌اند و فرضاً صدر اعظم آلمان اعلام کرده که ۵۰ میلیارد مارک به صادرات آلمان اضافه خواهد شد و یا نخست‌وزیر انگلستان اعلام داشته که ۴٪ به تولید بریتانیا اضافه شده و ۴۰۰۰۰۰ شغل اضافی در دهه آینده ایجاد خواهد شد و یا آمریکا اعلام نموده به محض اجرای دور اروگونه اقتصاد آمریکا سالانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار بهره‌مند خواهد شد. در حالی که علی‌رغم همه مباحثی که تاکنون مطرح شده در کشور ما چنین ارقامی از جانب دستگاه‌ها و یا کمیته ملی بررسی عضویت در گات اعلام نگردیده است. بنابر این تمام دستگاه‌های اقتصادی باید نتیجه عضویت کشور در گات را ارزیابی و نظر خود را فارغ از هرگونه کلی‌گویی اعلام نمایند.

۲- در حال حاضر به نظر می‌رسد صرفاً طی یک فرایند دهساله با تحقق محورهای استراتژیکی مورد بحث که در گزارش به آنها اشاره گردیده، و شامل گذر از مراحل حمایت منطقی لازم و تقویت زنجیره‌های تولید و زیربنای اقتصادی است، بهره‌برداری از عضویت در سازمان تجارت جهانی به نفع اقتصاد ملی محقق خواهد شد.

۳- در اجرای بند ۲ فوق، تشکیل یک گروه مقتدر و متمهد کارشناسی به منظور مطالعه، مذاکره و اقناع مخاطبین مرتبط می‌تواند نقش محوری را ایفا نماید.

۴- در کوتاه مدت و نیز به عنوان یک استراتژی درازمدت، عضویت و توسعه فعالیتها در چارچوب پیمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای که منافاتی با اهداف سازمان تجارت جهانی نداشته و توسط سازمان تجارت جهانی استثنا شده است و از طرفی سکوی برای رشد صادرات و ورود به بازارهای بین‌المللی است باید با قوت دنبال شود.

### نتیجه‌گیری و چند استراتژی

این نکته شایان ذکر است که بسیاری از تحولات اقتصادی در جهان امروز در بستر تحولات سیاسی شکل می‌گیرد و گات یک

پیمان اقتصادی - سیاسی است. بسیار ساده‌لوحانه است اگر تصور کنیم این سازمان هم چنانکه از نامش پیداست یک نهاد بازرگانی صرف است بلکه از دریچه مبادلات بازرگانی بر شئون اقتصادی، تمام سیاستگذاریهای اقتصادی و شئون غیراقتصادی نظیر بحث آزادی مبادلات محصولات فرهنگی و الزامات سیاسی در صحنه‌های بین‌المللی برای حفظ روند تجارت جهان، شمولیت دارد. بنابر این، این پیمان بر همه ابعاد از جمله روابط خارجی نیز تأثیراتی خواهد داشت.

گات و سازمان تجارت جهانی مظهر یک تفکر سیاسی جهان شمول است که پس جنگ دوم جهانی به موازات شکل‌گیری صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، شرکتهای چند ملیتی، تقسیم‌بندی جهان در چارچوب شرایط نوین جهانی و ... نضج گرفته است. گات در واقع یکی از پاسخهایی است که به سؤال اقتصاد سرمایه‌داری جهان شمول داده شده است.

افزایش و فراوانی کالای داخلی و حتی در بازار جهانی که کشورهای صنعتی با آن روبرو شده‌اند سبب می‌شود که اینان دنبال کسب سهم بیشتری در این بازارها و فتح بازارهای دیگری باشند که تاکنون توسط دولت‌های خود با سیاستهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای اجازه نداده‌اند به تولید داخلی آنها صدمه‌ای وارد شود و در آینده پیش‌بینی می‌نمایند که با افزایش تعداد رقیبان بازار و پیوستن کشورها به جرگه کشورهای صنعتی تنها می‌توان با دو حربه (کیفیت و هزینه تمام شده کمتر) وارد بازار شد که این امتیاز هنوز در دست این کشورها (توسعه یافته‌ها) است و علی‌رغم کاهش فاصله کشورهای نو صنعتی، اینان نیز کوشش می‌کنند فاصله را با افزایش سرعت خود نگهداشته و پس از اشباع بازار جهانی نیز بکوشند با وجود امتیاز فاصله تکنولوژی خود، تکنولوژی صادر کنند.

بنابر این حفظ حیات اقتصادی، کاهش تورم و هزینه تمام شده، حفظ و افزایش اشتغال در کشورهای صنعتی در گرو بر طرف کردن موانع تجارت بین‌المللی بخصوص تعرفه‌های کشورهای در حال توسعه است، به عبارت دیگر اول باید دروازه‌ها را گشود و بعد وارد شد. اگر در این جنگ اقتصادی پیروز نشوند دامنه‌ای از مشکلات اقتصادی (و به تبع آن سیاسی، اجتماعی) در آینده آنها را به بن‌بست می‌کشاند. تنها ذکر مشکل بیکاری غرب و تشدید آن با جایگزینی ماشین به جای انسان به عنوان دلیل محکمی بر این

انگیزه کفایت می‌کند.

نکته حائز اهمیت این است که بازسازی و توسعه کشورهای صنعتی در شرایط همزمانی با بهره‌مندی از مستعمرات و نیز استثمار جهان سوم صورت گرفته و در شرایط تولید انبوه و اشباع بازارهای داخلی صنعتی و ظهور کشورهای نیمه صنعتی و نو صنعتی (که روزی خود بازار کشورهای صنعتی بوده‌اند و به دلیل بهره‌مندی کشورهای صنعتی از نیروی کار ارزان آنها دارای مهارت کافی و تولیدات فراوان گردیده‌اند) که به دنبال تسخیر بازارهای سنتی کشورهای صنعتی هستند، شرایط ویژه‌ای پدید آمده که بازار رقابت تشدید شده، ضمن اینکه توسعه تکنولوژی ارتباطات امکان بهره‌مندی کشورهای در حال توسعه را از تحقیقات فراهم آورده است (جنبال محدودیت از استفاده از مالکیت معنوی در گات و ثبت داراییهای فکری و پرداخت حق‌الثبت سنگین برای اختراعات و دانش جدید به این دلیل است) و لذا از دید کشورهای صنعتی لزوم اتخاذ یک استراتژی جدید و تجدید آرایش ساختار تولید و تجارت و بازارها را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در همین راستا فراگیر شدن مقوله کاهش تعرفه‌ها و موانع گمرکی در زمینه‌های کشاورزی، خدمات اعم از پیمانکاری و حسابرسی و بانکداری و بیمه‌گری با آرمانها، سیاستها و استراتژیهای توسعه کشورها ارتباط پیدا می‌کند ضمن اینکه این تجدید آرایش عمدتاً به تحمیل کاهش موانع و تعرفه‌های کالاهای وارداتی به کشورهای فقیر و در حال توسعه همراه است. آمارهای برآورد بهره‌مندی فراوان کشورهای صنعتی از این تجدید آرایش که مرتباً توسط مسؤولان سیاسی آنها اعلام می‌گردد، مؤید این مدعاست.

در حالی که کشورهای منادی آزادسازی تجارت جهانی نظیر آمریکا و ژاپن و کشورهای اروپایی به شکل کم نظیری سیاستهای حمایت گرایانه را در عمل به کار می‌برند، توصیه و تأکید آنها به کشورهای در حال توسعه برای آزادسازی تجارتشان، به منظور گشودن دروازه‌های آنهاست. نگارنده این پدیده را حمایت‌گرایی نوین (New Protectionism) نامگذاری می‌کند. هنگامی که آمریکا قانون سوپر ۳۰۱ خود را لغو نکرده و قدرت و نفوذ بقیه قوانین از جمله مقررات WTO را، ضمن و تحت‌الشعاع سوپر ۳۰۱ می‌داند و این اختیار را برای خود قائل می‌شود که هر زمان تشخیص داد برخلاف اصول سازمان تجارت جهانی جنگ تجاری اعلام و اعمال نماید و یا اینکه ژاپن در اجلاس سرانه APEC در رابطه با

تشکیل مناطق آزاد تجاری در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۴ اعلام می‌کند که به دلیل سیاستهای حمایتی از اقتصاد داخلی خود و کنترل واردات، تمام ابزارها و تصمیماتی را که منجر به آزادسازی تجاری می‌شود، قبول ندارد و اینکه ژاپنی‌ها پس از ۲۲ سال اجازه ورود سیب را به آمریکاییها می‌دهند و اصولاً مطالعات اقتصاد ژاپن به خوبی نشان دهنده یک سیستم تدابیر حمایتی شدید است، این نتیجه را به ما می‌دهد که در دنیای کنونی در برخوردها هنگام تعارض منافع ملی در برابر منافع اقتصاد جهانی دوگانگی شعارها و سیاستهای اعلامی با عمل وجود دارد آن هم از جانب قدرتهای بزرگ و ثروتمند؛ ما هم مستثنی نیستیم بنابر این هر نوع دستور کار در برخورد با تعارض فوق باید یافتن راه‌های فرار عملی به سوی منافع ملی باشد. آیا کشورهایی نظیر ایران با توجه به سهم اندک خود در تجارت جهانی توانایی چنین برخوردهای دوگانه و توجیه و تثبیت آن را دارند؟ پاسخ روشن است.

اما کشور ما هنوز دوره گذار از مرحله حمایت صنعتی و تولید انبوه را پشت سرنگذاشته است. کشورهای صنعتی حداقل پنجاه سال این دوره را کاملاً طی نموده‌اند. بازار داخلی ما به مرحله اشباع نرسیده و کمتر صادرات صنعتی داریم که بیانگر اشباع بازار داخلی آن باشد و ترکیب صادرات ما عمدتاً از نفت فرآوری نشده (خام)، کالاهای کشاورزی و سنتی و سپس صنعتی تشکیل شده است.

در این وضعیت، شکل‌گیری آرایش جدید تجارت جهانی (چه در صورت عضویت و یا عدم عضویت) برای ما چند پیام مهم استراتژیک دارد:

۱- با حرکت به سمت حذف سوبسید در کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی از یک طرف امنیتی غذایی بسیار اهمیت پیدا کرده و از سوی دیگر قیمت محصولات غذایی در جهان گرانتر شده و واردات آن سنگینی فراوانی بر موازنه پرداختها تحمیل خواهد کرد. (با توجه به جمعیت قابل توجه و داشتن مزیت نسبی در برخی محصولات کشاورزی) باید حرکت به سمت خودکفایی با سرعتی به مراتب بیشتر از سرعت حذف سوبسیدها در جهان، دنبال شود ضمن اینکه در عوض صادرات تولیدات مازاد بر نیاز ملی با توجه به قیمتهای بالای جهانی کمک بسیار مؤثری به موازنه پرداختهای کشور خواهد نمود.

۲- با توجه به ساختار اقتصاد کشورهای مهم تصمیم‌گیر در

این محفل جهانی و ساختار تعرفه‌ها باید مزیت‌های نسبی بالقوه به فعل تبدیل و به جای صادرات مواد خام صادرکننده محصولات و فرآورده‌های نهایی باشیم. با سرمایه‌گذاری در صنایع جنبی نفت و گاز به صادرکننده محصولات نفت و پتروشیمیایی تبدیل شویم در غیر این صورت با مایات (تعرفه) سنگین ۳۰٪ روی نفت خام (که استثنائاً شامل تعرفه‌های سازمان تجارت جهانی نمی‌شود) از طرف کشورهای صنعتی روبرو هستیم و بزرگترین رقم صادرات ما از مزیت عضویت سازمان تجارت جهانی محروم خواهد بود.

۳- با اتخاذ استراتژی جانشینی واردات همزمان با استراتژی توسعه صادرات، از واردات کالاهای مختلف بکاهیم.

۴- با توسعه صنایع، کالاهای صنعتی مصرفی در اولویت صدور باشد.

۵- با توسعه جهشی صنایع تبدیلی کشاورزی ارزش افزوده محصولات غذایی را به نفع اقتصاد ملی حرکت داده و به سرعت تولیدات کشاورزی را افزایش دهیم.

۶- با توجه به توانایی قابل ملاحظه از بهره‌مندی ابتکارات و اختراعات و محصولات جدید از راه‌کپی‌سازی و انتقال دانش فنی با سرعت و به صورت ویژه و قبل از وضع جدی محدودیت‌های جدید به عنوان یک فرصت طلایی از این مقوله باید استفاده کنیم. همچنین با اتخاذ سایر استراتژی‌های جانبی مورد نیاز در رفع تنگنای پیش‌گفته و ایجاد عزم ملی برای تحقق آنها لازم است در یک فرایند دهساله حضور ما در بازار جهانی آینده در صادرات مواد نفتی، پتروشیمی، نیمه‌صنعتی، صنعتی مصرفی، کالاهای سنتی موجود و کالاهای کشاورزی برنامه‌ریزی شود و مابقی تولیدات عمدتاً عدم واردات و پرداختن به اشباع بازارهای داخلی باشد. البته افق رقابت در آینده جنگ کاهش هزینه تمام شده و افزایش کیفیت است که راه دشواری در این رابطه پیش‌رو داریم و در اوضاع فعلی سپردن تولیدات کشور به امواج بازار آزاد جهانی امری غیر منطقی است. کشورهای صنعتی با حمایت منطقی از صنایع خود این مرحله را گذرانده‌اند. آزادسازی بازرگانی خارجی به بهانه اینکه کالاهای داخلی بتوانند با کالاهای خارجی رقابت کنند بیشتر کمک به فرایند توسعه کشورهای صادرکننده به ما ارزیابی می‌شود که واجد منافع ملی نیست. چرا ارتقای کیفیت در ایران با سیاست واردات باید محقق شود، مگر با صادرات و تلاش برای نگهداشت تولید و ارتقای کیفیت با حضور در بازارهای

جهانی چه ایرادی دارد؟ تجربه آزادسازی بازرگانی خارجی در کشور ما بیشتر به تسهیل واردات منجر شد و موجب تعهدات و بدهی‌های سنگین ارزی برای کشور گردید که ظرف یک دهه آینده فشار آن به اقتصاد کشور ملموس خواهد بود، ضمن اینکه لطمه به سرمایه‌گذاران و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و افت منابع ارزی برای تخصیص در سرمایه‌گذاری‌های جدید را باعث گردیده است. البته سرمایه‌گذاری کلان تخصیص یافته در پنج سال گذشته مرهون هدایتهای مشخص و اشراف رئیس محترم قوه مجریه، لیاقت و توانایی مدیریت بخشهای مرتبط بوده است تا مکانیزمها و سیاستهای تخصیص منابع و یا عملکرد برخی دستگاه‌های مسؤول اقتصاد کلان.

به نظر نگارنده در کشور ما خوف تلفیق سه پدیده زیر همواره باید ملحوظ نظر باشد:

الف - تقلید یکسو نگرانه برخی مدعیان علمی، روشنفکری از تئوریهای ناکارآمد در عرصه اقتصاد کشورهای در حال توسعه.

ب - ساده اندیشی در سیاستگذاریها

ج - گرایش سنتی به زیان تولید و به سود واردات و فرهنگ ناصحیح عادی شده عدم انطباق منافع فردی در راستای منافع ملی.

در یک جمع‌بندی خاطر نشان می‌سازد که مطالب مطرح شده به مفهوم حصارکشی اقتصاد ایران نیست بلکه به مفهوم ضرورت تقویت ساختار تولید کشور است که در این صورت نه تنها سازمان تجارت جهانی بلکه هر پیمان دیگری می‌تواند سکویی برای رشد کشور باشد همچنانکه برای کشورهای قدرتمند اقتصادی نیز چنین بوده است.

## پانویسها:

1- International Trade Organization

۲- بلژیک - نورژ - لوکزامبورگ - سوئد

۳- بولتن روزنامه وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی،

شماره ۳۳۰، مورخ ۱۳۷۴/۲/۲.

۴- پیشنهاد مشابهی را اینجاب در سال ۱۳۷۲ در کمیسیون اقتصاد هنگام

تجدید نظر در تعرفه‌ها (که متأثر از برخی بنیانهای تعرفه‌ای گات مورد بررسی و

تصمیم‌گیری قرار می‌گرفت) در زمان تغییر حقوق گمرکی و سود بازرگانی از مبنای

دلار هفتاد ریال به دلار شناور به عنوان یک سیاست واکنشی مطرح نمودم.